

فرمانی از فرامین صفویه

این فرمان که از نظر خوانندگان می‌گذرد طولاً ۷۰ و عرضاً ۳۳ سانتیمتر است فرمانی است که از طرف شاه سلیمان صفوی در سال ۱۰۷۹ یعنی دو سال بعد از جلوس آن پادشاه صادر شده است شاه عباس ثانی دو پسر داشت پسر ارشد او همین شاه سلیمان است که نام اصلی وی (صفی میرزا) بود و بعداً به (شاه سلیمان) ملقب گردید و دیگری حمزه میرزا نام داشت که از صفی میرزا کوچکتر بود شاه عباس از صفی میرزا بعضی حرکات وی نگران بود که مبادا بر علیه او اقداماتی بکند و همیشه او را در حرمخانه در حبس نظری نگاه میداشت و آغا ناظر را که یکی از خواجگان دربار بود برای حبس وی مأمور کرده بود .

پس از فوت شاه عباس ثانی جمعی از بزرگان و امرا طرفدار جانشینی صفی میرزا بودند و جمعی طرفدار حمزه میرزا و چون حمزه میرزا صغیر و صفی میرزا ارشد اولاد بود صلاح چنین دیدند که صفی میرزا جانشین پدر گردد و همه امرا و وزرا متفقاً بسلطنت صفی میرزا رأی دادند .

صفی میرزا که چندین سال در حرمخانه محبوس بود یکمرتبه از حبس آزاد و در سال ۱۰۷۷ بسلطنت رسید و تاجگذاری مفصلی بعمل آمد و به (شاه صفی ثانی) ملقب شد جوانی بی تجربه و از شئون مملکت داری بیخبر بود ، غالب اوقات خود را در حال مستی در حرمخانه میگذرانید و نوشته‌اند بسیار صاحب جمال و صبیح المنظر بود صائب تبریزی معاصر این پادشاه بود و قتیکه برگرد عارض وی آثار خط نمایان بود این شعر را در حق او گفته است .

احاطه کرد خط آن آفتاب تابانرا گرفت خیل پری در میان سلیمانرا
سیاستهای نا پسندانه و وحشیگریهای بی رحمانه میکرد مثل جد خود شاه صفی

اول سفاک و خون آشام بود بطوریکه قلم از نوشتن آن حرکت وحشیانه منفعل است
 وقتیکه در حال مستی یا غضب بود هیچکس از مجاورین وی بر جلن و مال خود
 ایمن نبود دستها و پایها و گوشها بریدی و چشمها بر کندی زندگانی مردم فدای
 کوچکترین هوا و هوس او بود. نوشته‌اند شخصی که در ابتدای مجلس طرب وی
 بیش از همه طرف توجه او بود در آخر مجلس بقربانگاه میرفت اشخاصی که بحضور
 وی میرفتند چنان خود را در خطر میدیدند که در مراجعت از حضور او صدقه سلامتی
 میدادند یکی از بزرگان درگاه میگفت وقتی که از حضور وی مرخص شده بمنزل
 میروم چند دفعه بسرم توجه میکنم ببینم آیا سر من روی شانه‌هایم قرار دارد یا نه این
 بود وضع سیاست و حرکت ناپسندانه آن پادشاه بنابرین مملکت در حال هرج و مرج
 و انقلاب بود و از ترقی و تعالی مشعشعانه ادوار پادشاهان عظیم الشأن چون شاه
 عباس کبیر و شاه عباس ثانی اثری باقی نبود و مملکت قوس نزولی را می‌پیمود و این
 خرابی و انحطاط بود که رسید بدوره شاه سلطانحسین صفوی پسر او و بلاخره سلطنت
 دوست سی ساله مشعشع صفویه منقرض گردید.

فلذا وزرا و امرا بصلاح دید منجمین فکری که در اینخصوص کردند این بود
 که گفتند نام صفی نام شومی است چنانچه در زمان شاه صفی اول جد این پادشاه نیز
 مملکت هرج و مرج و انقلاب بود و دول همسایه از هر طرف به مملکت تجاوز
 میکردند بایستی شاه تغییر نام کند تا مملکت ازین مذلت و خواری رهائی یافته باوج
 ترقی و تعالی خود برسد متفقاً برین مسئله رأی دادند که شاه مجدداً باید تاجگذاری
 نماید و ضمن این تاجگذاری نامشاه نیز تغییر یابد مقدمات جشن فراهم و تاجگذاری
 بعمل آمد و نام (شاه صفی ثانی) مبدل به (شاه سلیمان) گردید و در همانروز تاجگذاری
 سکه و خطبه بنام شاه سلیمان خوانده شد و تمام سکه‌های سابق و مهرهای سلطنتی
 که بنام شاه صفی ثانی بود تبدیل بنام شاه سلیمان گردید. این بود کیفیت تغییر نام
 شاه صفی ثانی به شاه سلیمان.

و اما این فرمان که موضوع بحث ماست به مهرشاه صفی ثانی مهور است خط فرمان مایل بخط شکسته بسیار زیبا میباشد که با انشاء مرغوب و عبارات مطلوب نوشته شده است از حیث خط و ربط نسخه بسیار ممتازی است و فعلا این فرمان در تصرف نگارنده است. گراور آن که در صفحه مقابل چاپ شده است بنظر خوانندگان محترم میرسد.

موضوع فرمان عبارت است از معافیت مالیات و هر نوع بدهی دیوانی و سرانه و غیره از اولاد (جابر بن عبدالله انصاری)^۱ که از صحابه پیغمبر اکرم بود و نامش تن از اولاد وی درین فرمان ذکر شده است

در اول فرمان نام شاه عباس ثانی با طلا بدین عبارت نوشته شده است (شاه عباس اعلی الله فی الخلد مقامه) البته شاه عباس ثانی پدر شاه سلیمان است و در زیر آن بخط قرمز نوشته شده (شاه بابا ام انار الله برهانه) و بعضی خطوط دیگری نیز در بالای فرمان با طلا و قرمز نوشته شده که اغلب آنها محو شده و خوانا نیست مهر شاه سلیمان در اول فرمان بطرز زیبایی بنام شاه صفی ثانی ثبت شده و اطراف آن مذهب کاری شده است و سجع آن اینست (بنده شاه ولایت صفی ثانی ^{حسبی الله} ۱۰۷۷) در اطراف مهر این دو بیت نقش شده .

جانب هر که با علی نه نکوست هر که گو باش من ندارم دوست

هر که چون خاک نیست بر در او گرفتار شده است خاک بر سر او

پهلوی مهر این آیه شریفه بشکل بوته زیبایی نوشته شده و اطراف آن مذهب کاری است (السابقون الاولون من المهاجرین والانصار و الذین اتبعوهم باحسان رضی الله عنهم و رضوا عنه واعد لهم جنات تجری من تحتها الانهار

(۱) جابر بن عبدالله بن عمرو الانصاری از صحابه حضرت رسول اکرم بوده و در غزوات آنحضرت شرکت نموده با شجاعت و رشادت با کفار جنگ کرده در آخر عمر از نور بصر عاجز شده و در سال ۷۴ و بروایت دیگر ۷۷ در نود و پنج سالگی در مدینه منوره در گذشته است .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْقَوْمِ الْأَوَّلِينَ
 لَوْ أَنَّ الْأَنْفَارَ
 وَالْأَنْفَارَ وَالَّذِينَ
 أَتَّبَعَتْ أَفْئِدَتُهُمْ
 لِلَّهِ أَفْئِدَتُهُمْ
 وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ
 تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
 الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ
 فِيهَا أَبَدًا بِإِذْنِ
 الْعَظِيمِ

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين

[illegible][illegible][illegible]

مورد، در گذشته است.